



# فصلنامه علمی - فرهنگی اسلام شناسی

## سال جهاد اقتصادی شماره ۳۳ سال

صاحب امتیاز:

مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت

زهررا (سلام الله علیها)

در این شماره می خوانید :

- ۲..... اندکی تأمل
- ۳..... مولای یا مولای
- ۴..... حیا همسایه قدیمی فطرت/ زهرا ابراهیمی
- ۶..... چقدر بی تابی دخترم
- ۷..... حیا در لسان آیات و روایات/فاطمه شیدا
- ۱۰..... زینب بانوی حیا
- ۱۲..... شعر / عصر یک جمعه دلگیر
- ۱۳..... حیا گوهری گمشده در رسانه / زهرا زحمتکش
- ۱۶..... خبرهای مدرسه
- ۱۹..... حیا از منظر علوی /انسیه رجبی
- ۲۱..... حیا و برازندگی پوشش و حجاب /سمانه خراسانی
- ۲۴..... گزارش طرح تفسیر ساختاری
- ۲۵..... حماسه نه دی ، حماسه ای ماندگار
- ۲۶..... اسراف و تبذیر در جهاد اقتصادی
- ۲۸..... مرگتان باد ای گروه احزاب
- ..... گزارش تصویری

مدیر مسئول بنروزانه طاهانی

\*مطالب نشریه صرفاً نگر دیدگاه نویسندگان

ن مقالات می باشد

\*فصلنامه اسلام شناسی از مقالات و

آثار شایسته درج در فصلنامه استقبال

آدرس: مشهد خیابان چهارراه لنگر - امام خمینی ۴۸ - مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها تلفن

شماره: ۰۵۱۱۸۵۴۸۲۸۹: ۸۵۱۵۱۵۴

# اندکی تأمل....

عفت و پاکدامنی؛ برارنده‌ترین زینت زنان و گران‌قیمت‌ترین گوهر برای آنان است. زینب علیها السلام از یک سو، به زیبایی درس عفت را در مکتب پدر آموخت؛ آنجا که فرمود: "مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ قَعْفًا يَكَادُ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ" مجاهد شهید در راه خدا، اجرش بیشتر از کسی نیست که قدرت دارد، اما عفت می‌ورزد، نزدیک است که انسان عقیف فرشته‌ای از فرشتگان باشد<sup>۱</sup>

و از طرف دیگر، حیای ذاتی زینب علیها السلام می‌طلبید که در اوج عفت و پاکدامنی باشد؛ چرا که بارزترین ثمره و پی‌آمد حیا؛ عفت و پاکدامنی است. چنان که علی علیه السلام فرمود: "سَبَبُ الْعِفَّةِ الْحَيَاءُ؛ علت عفت و پاکدامنی شرم و حیا است."

و در جای دیگر فرمود: "عَلَى قَدْرِ الْحَيَاءِ تَكُونُ الْعِفَّةُ"<sup>۲</sup>؛ به هر اندازه که حیا باشد، عفت و پاکدامنی خواهد بود تربیت خانوادگی، و حیای ذاتی زینب کبری علیها السلام باعث شد تا او عفت خویش را، حتی در سخت‌ترین شرایط به نمایش گذارد. او در دوران اسارت و در مسیر کربلا تا شام، سخت بر عفت خویش پای می‌فشرد. مورخین نوشته‌اند: "وَهِيَ تَسْتُرُ وَجْهَهَا بِكَفِّهَا لِأَنَّ قِنَاعَهَا أَخَذَ مِنْهَا؛ او صورت خود را با دستش می‌پوشاند، چون روسریش از او گرفته شده بود."

ما نیز از باب اهمیت این بحث و ضرورت گسترش فرهنگ حیا در جامعه و با توجه به برگزاری جشنواره سلامت جامعه در پرتو حیا مقالات بسیاری به دبیرخانه جشنواره ارسال گردید لذا بر آن شدیم تا در این شماره به طور ویژه به مبحث حیا بپردازیم.



۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۴۶۶.

۲- میزان الحکمة، ج ۲، ص ۷۱۷، روایت ۴۵۵۷.

۳- همان، روایت ۴۵۵۹.

۴- جزائری، الخصائص الزینبیه، ص ۳۴۵.



## مولای یا مولای... ..

ای خدای موجود در همه جا با تو مناجات می کنم شاید به ندایم گوش دهی، که جرمم بسیار و شرمم اندک گشته، مولای من کدام وحشت را بخاطر آرم؟ و کدام را از یاد ببرم؟ که اگر غیر از مرگ چیزی نبود، همان کافی بود. و حال آنکه منزل‌های بعد از مرگ بزرگ تر و وحشتناک تر است..

مولای من، مولای من، تا کی پی در پی بگویم: خشنودی و رضای تو را می جویم ولی صدق و وفا از من نبینی خداوندا، وای وای از هوسهایی که بر من غالب گشته و از دشمنی که چون سگ بر من حمله می آورد، و از دنیائی که برای فریبم خود آرائی نموده، و از نفس اماره‌ای که همواره مرا به بدی میخواند مگر آنکه رحمت تو دستم را بگیرد.

مولایم مولایم، اگر به گناهکاری دیگر چون من رحمت آری بر من رحمت آر، و اگر عصیان گری چون مرا بپذیری مرا نیز بپذیر، ای پذیرنده توبه، مرا بپذیر، ای آنکه همیشه از تو خوبی دیده‌ام، ای آنکه شب و روز از نعمتهایت بهره‌مند می‌سازی، در آن روزی بر من رحمت آر که تنها و با چشمان وحشت زده سر بزیر دارم و نامه معلم بگردنم آویخته و مردم همه از من دوری و بیزاری می جویند بجان والدینم و قسم به آن که سعی من برای اوست اگر تو بر من رحمت نیآوری که خواهد آورد، و چه کسی در قبر مونس من خواهد بود، آنگاه که با اعمالم به پیش تو آیم و از اعمال من که بر آنها بهتر از من آگاهی باز خواست بنمائی؟ که اگر اقرار کنم از عدالت تو به که پناه برم، و اگر انکار نمایم علیه تو شهادت داده‌ام، پس خداوندا عفو تو، عفو تو (را می طلبم) پیش از آنکه لباسهای دوزخ را بر من بیوشانی، ای مولای من عفو ترا می طلبم پیش از آنکه دستهایم بگردن غل گردد، ای ارحم الراحمین و خیر الغافرین.

مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۲، ص: ۶۴ دعاء حزین



تمایل به پوشش و شرم و حیا امری فطری در انسان است.

بی‌نهایت طلبی در جنبه لذت و زیبایی در مردان از سویی و وجود جاذبه‌های مختلف در زن از سوی دیگر در صدآسیب‌پذیری زن را بالا می‌برد و اگر مانعی وجود داشته باشد، زنان امنیت شخصیت و احترام خود را از دست خواهد داد.

### حیا از نظر فردی در محیط کار

حیا و پوشش زن می‌تواند هر گونه سرخوردگی زنان در محیط کار را کاهش داده و انرژی را به سمت مثبت تقویت نماید. و هماهنگی کلی میان نقش‌ها با محور ارزشی را فراهم نماید. پوشش و عفاف نه تنها محور سازگاری و انطباق نقش‌های مختلف زن را فراهم می‌آورد. بلکه محور ثابت برای محک همه‌ی انسانها است. انسان با صفاتی همچون حیا محبوب خداوند می‌گردد.

### آثار حیا

۱- پاک‌ی از گناهان، به ثمر رساندن خیرات حتی برای بی‌دین‌ها، تسلط بر نفس، زینت بخش، عدم رفتار ناشایست با دیگران، جداکننده رغبت از شهوت، ایمنی روز قیامت

### پیامدهای بی‌حیایی

آدمی به وسیله‌ی حیا به سوی کارهای نیک برانگیخته می‌شود. به همین جهت اگر حیا وجود نداشته باشد بساط خیر و زیبایی برچیده خواهد شد. به بیان دیگر (وادارندگی به خوبی‌ها) از ویژگی‌های حیاست. حال اگر حیا وجود نداشته باشد لذا نیکی و خوبی رخت بر خواهد بست.

۱- بی‌حیایی و بدنامی

۲- محرومیت از لذت عبادت

۳- شکسته شدن حرمت

۴- اگر حیا نباشد همه کاری جایز است.

### چگونگی لباس فرد در محیط کار

یکی از دستورهایی که در باب لباس پوشیدن به ما داده اند این است که لباس نباید طوری باشد که آن سان را در بین مردم انگشت نما و متمایز کند یعنی نه آن چنان کثیف و نامرتب باشد و نه چنان فاخر و گرانبه که انسان انگشت نامشود. نیز باید با جامعه سازگاری داشته باشد. مشروط به اینکه لباس مرسوم در جامعه مفسده انگیز نباشد. به عبارت دیگر نباید خارج از عرف جامعه لباس پوشید.

حیا  
همسایه قدرتمند  
فطر را



# مادر عمق و جودمان غنیف، مستقیم چون انسانیم!

## ویژگی های فرد بی حیا

- ۱- فرد بی حیا، هیچ گونه تاثیری پیدا نمی کند و از این که در این حال دیده شود ناخشنود نمی گردد.
- ۲- راضی بودن: ویژگی دیگر افراد گستاخ (رضایت) آنان از انجام دادن فعل قبیح است.
- ۳- گستاخی و بی باکی: که از آن با عنوان (جری شدن) یاد می شود.
- ۴- خندیدن یکی دیگر از ویژگی های افراد بی حیا خندیدن به هنگام ارتکاب کار قبیح است.
- ۵- لذت بردن: ویژگی دیگر افراد بی حیا لذت بردن از ارتکاب کار زشت است.
- ۶- کوچک شمردن خطا
- ۷- اصرار برگناه و تکرار آن: یکی دیگر از ویژگی های بی حیایی اصرار بر فعل قبیح است.

## حیا مانع اختلاط زن و مرد

در فرهنگ اسلام در محیط های کار نباید اختلاط باشد؛ باید مجزا باشند. اقتضاء حیا این است ولی الان متأسفانه روی این مساله داریم به تدریج بی قید می شویم حدود متأسفانه فضای فرهنگ عمومی ما به سمت شکسته شدن این فضاها می رود. هر چه این ارتباط ها راحت تر باشد، خطرناک تر است و باعث از بین رفتن حیا می گردد.

## راه های حفظ حیا

- ۱- همواره مراقب در رفتار و کردار خود باشد.
  - ۲- رعایت پوشش حتی در برابر محارم نیز باید حیا را رعایت کرد.
  - ۳- هر قومی گفتار یا کرداری را دید برخلاف حیا. بایستی او را توبیخ و سرزنش کند .
  - ۴- مسائل تحریک کننده ی شهوت و فیلم های مهیج و محرک کم تر باشد.
  - ۵- تشویق کسانی که شرم و حیا در گفتار و کردار آنان نمایان است.
- حیا در فرد دارای خصوصیتی است که باید توسط فرد بروز و آشکار شود. تا سودمندی بیش تری داشته باشد. بنابر این باید به دنبال راهی بود تا بتوان بحث حیا را در جامعه گسترش داد و بهترین راه برای نیل به این مقصود گسترش امر به معروف ونهی از منکر است. زیرا در سایه این امر با روشی صحیح میتوان فضایل اخلاقی را از جمله حیا در میان مردم پایه ریزی کرد.

با نگاهی بر کتاب حیا ، امیر حسین بانکی پور فرد





## چقدر بی‌تابی دخترم!

این همه دلشکستگی چرا؟ مگر دست‌های کوچکت در امتداد نیایش عمه، تنها از خدا آمدن بابا را طلب نکرد؟ اینک آمده‌ام در ضیافت شبانه‌ات و در آرامش خرابه‌ات. کوچک دلشکسته‌ام! پیش‌تر نیز با تو بودم و می‌دیدمت. شعله بر دامان و سوخته‌تر از خیمه آه می‌کشیدی و در آمیزه خار و تاول، آبله و اشک، صحرای گردان را به امید سر پناهی می‌سپردی. مهربان دلشکسته‌ام! صبور صمیمی! مسافر غریب و کوچک من! مگر نگفتی که بابا که آمد، آرام می‌گیرم. این همه ناآرامی چرا؟ مگر نگفتی بابا که آمد سر بر دامانش می‌گذارم و می‌خوابم؟

نه ... نه دخترکم نخواب! می‌دانم اگر بخوابی، دیگر عمه نمی‌خواهد. می‌دانم خواب تو، خواب همه را آشفته می‌کند. نه ... خواب دخترم! دخترم! بگذار لب‌های چوب خورده‌ام امشب میهمان بوسه‌ای باشد از پیشانی سنگ خورده‌ات؛ از گیسوی پریشان چنگ خورده‌ات؛ از شانه‌های معصوم تازیانه دیده‌ات؛ از صورت رنگ پریده سیلی خورده‌ات. بگذار امشب، مثل شب آرامش تنور بر زانوان زهرا آسوده بخوابم. نه دخترم! نخواب! بگذار بابا بخوابد.

و چنین شد که رقیه (س)، هنگامی که سر پدر در آغوشش بود، جان سپرد.





# حیا در ساختن آیات و روایات

فاطمه شیدا

اخلاقی از آن اهمیتی که دارا هستند برخوردار نمی‌شوند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: همانا خداوند عز و جل پیامبران را به مکارم اخلاق اختصاص دارد (یعنی خصال نکوهیده را از آنان دور ساخت) پس هر که این مکارم را داشته باشد باید خدا را سپاس گذارد و هرکس آن‌ها را نداشته باشد به سوی خداوند عزوجل تضرع کند آن‌ها را از او بخواهد راوی سوال کرد قربانت شوم آن‌ها چه صفاتی هستند حضرت فرمود: پرهیزگاری، قناعت، صبر، شکر، خویشتر داری، حیا، سخاوت، شجاعت، غیرت، خوش رفتاری، راستی گفتار و امانت داری.

## حیا در اسلام و ادعیه

پیامبر می‌فرمایند: اسلام برهنه است و لباسش حیا و زینتش وقار و سنگینی و مردانگی‌اش عمل صالح و ستون و پایه‌اش پرهیزگاری است و هر چیزی را اساس و پایه‌ای

حیا یکی از خصوصیت‌های انسانی است که برای فهم آن باید به کسانی رجوع کرد که از آن اطلاع بسیاری دارند. که آنها فقط، خداوند و معصومین علیهم السلام هستند پس باید برای فهم دقیق این مسائل به قرآن و احادیث رجوع شود.

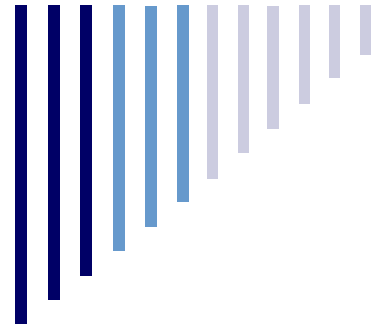
حیا نسبت به سایر مکارم اخلاقی از چنان جایگاهی برخوردار است که از آن تعبیر به سر برای سایر مکارم اخلاقی و در اسلام تعبیر لباس شده است.

## حیا در مکارم اخلاق

مکارم صفاتی است که موجب کرامت و شرف و بزرگواری انسان می‌شود و از صفات نیک عادی بالاتر است.

از تشبیه حیا به سر نسبت به سایر مکارم اخلاقی فهمیده می‌شود که همان‌طور که اگر سر در بدن نباشد سایر اعضا و جوارح بی‌فایده است پس اگر حیا نباشد سایر مکارم





است و پایه اسلام محبت ما اهل بیت علیهم السلام است. پیامبر صلی الله وعلیه وآله وسلم اسلام را به انسانی تشبیه کرده و حیا را به لباسی برای آن معرفی کرده است پس هم چنان که لباس عورت و قبائح ظاهری را می پوشاند حیا هم زشتی ها و عیب های باطنی را می پوشاند

#### بی حیائی بندگان:

ائمه اطهار علیهم السلام آنقدر برای خدا عظمت و برای خود حقارت می دیدند که حتی تاب حیا از خدا را در خود نمی دیدند و اقرار به کمی حیا نسبت به او و دلایل و پیامدهای این کم حیایی داشتند. "بأیّ عمل ابث الیک حزنی و فقری أبوجْهی الذی حلّ حیأوه منک"

(با کدامین کردار، غم و اندوه و نداری خویش را بر تو واگویم، آیا با چهره‌ای که حیا و شرمساریش از تو اندک است!؟)

#### اقسام حیا

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: حیا بر دو نوع است، حیا خردمندانه و حیا احمقانه. حیا خردمندانه دانش است و حیا احمقانه همان نادانی است در این حدیث شریف از حیا خردمندانه به عنوان علم و دانش یاد شده و این مطلب گویای آن است که این

نوع از حیا ارتباط مستقیم با آگاهی داشته و از چشمه دانش سیراب می شود این نوع از حیا که حیا ممدوح نیز گفته می شود؛ مشتمل بر اموری است که شرع مقدس و عقل سلیم پرهیز از آنها را ضروری دانسته است و در نتیجه انسان خردمند از نزدیک شدن به آنها حیا می کند.

#### حیاء ممدوح

**الف) حیا از پروردگار:** بالاترین مرتبه حیا همانا حیا از خداوند است این قسم از حیا از چنان عظمت و شأنی برخوردار است که جز انبیاء الهی و معصومین علیهم السلام و اندکی از پیروان حقیقی آنها بدن دست پیدا می کنند .

**ب) حیا از خود:** امام علی علیه السلام می فرمایند: "اوج حیا این است که آدمی از خودش شرم کند".

شاید در نگاه نخست کمی عجیب به نظر آید که مگر می شود انسان از خودش هم حیا کند ولی آن گاه که بدانیم آدمی تا هنگامی که برای نفس خویش ارزش قائل نباشد و از آلوده نمودن آن به معاصی خودداری نکند و در یک کلام از خویش حیا نکند، انجام گناه ترسی نخواهد داشت این چنین





تعجب و شگفتی بر طرف خواهد شد.

**حیا از پیامبر و ائمه:** از آیات قرآن کریم چنین بر می آید که ارواح عظیم الشان رسول گرامی اسلام و ائمه معصومین حتی پس از شهادت و رحلت ظاهریشان، بر جهان هستی و اعمال مسلمانان و مخصوصاً شاهد و گواه مسلمانان هستند. و هم چنین نامه اعمال ما هر هفته به محضر آنان تقدیم می گردد.

**حیا از فرشتگان:** مطابق آیات بسیاری از قرآن کریم برای هر یک از ما انسان ها، نگهبانی از جنس ملائک وجود دارد که همواره مراقب اعمال ما هستند خوب و بد آنها را در صحیفه اعمال می نویسند.

**حیا از مردم:** این قسم از حیا پایین ترین درجه از حیا است و معنی آن چنین است که آدمی از بیم با خیر شدن مردم و از دست دادن آبروی خود در نزد آنان و ترس از این که دچار شرمساری نزد مردم نشود، از کار زشت خودداری می کند.

**حیاء مذموم:** حیای احمقانه که حیای مذموم گفته می شود همان نادانی و جهل است حیا بی جا از اموری است که نامطلوب بودنشان تنها زاییده، توهم و خیال است و در حقیقت ناپسند می باشند.

**الف) حیا در بیان حق:** در بیان سخن حق نباید شرم وجود داشته باشد یکی از علل ترک شدن امر به معروف و

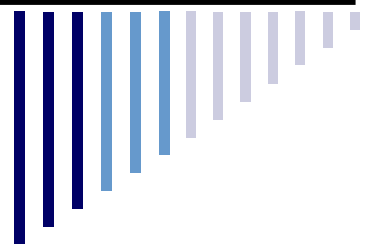
نهی از منکر حیا کردن بی جاست باید توجه شود که حفظ و رعایت شوون در بیان سخن حق شرط است اما نباید مانع از بیان حق شود.



**ب) حیا در بیان احکام شریعت:** گاهی اوقات انسان از گفتن و یا سوال کردن احکام شریعت شرم دارد این نوع شرم موجب می شود که احکام خدا اجرا نگردد بیان این احکام با حفظ حریم ها بر والدین و اولیای مدرسه واجب است.

**ج) حیا در آموختن علم:** بسیاری از افراد از گفتن کلمه ی نمی دانم خجالت می کشند نکته مهم این است که در مقام علم آموزی شرم و حیا معنا پیدا نمی کند.





بسیاری از انسانها را مورد آزمایش قرار می‌دهد، با نوع نگاه افراد علاوه بر میزان حیای آن می‌توان میزان خرد و معرفتش را بسنجید.

**حیا در کلام:** کلام و گفتار هر فردی در حقیقت نشانگر بسیاری از نیات و مقاصد فرد است و انسان باید زیباترین گفتار را برگزیند که این بیانگر عفت کلام شخص است.

قرآن کریم می‌فرماید: "قل لعبادی یقولوا التی هی احسن" "به بندگان من بگو که به بهترین نحو سخن بگویند".

**حیا در شنیدار:** انسان باید به گونه‌ای رفتار نماید که دیگران در حضور او جانب وقار را پیش بگیرند و هر سخنی را بر زبان جاری نسازد. بزرگان دین پیوسته به گونه‌ای رفتار می‌کردند که در حضورشان، کسی نه از ترس، بلکه از شرم حضور مرتکب گناهی نمی‌گردید و هر سخنی را بر زبان جاری نمی‌ساخته است.

**حیا در رفتار:** نوع دیگر شرم و حیا، حیایی است که در رفتار فرد تجلی می‌کند رفتار آدمی باید به گونه‌ای که سراسر آن بر اساس شرم و حیا باشد و این ارزشی است که قرآن کریم با صراحت از آن یاد می‌کند.

پی نوشت:

۱. محمد بن یعقوب/کلینی رازی/اصول کافی/ج ۳، ص ۹۴

۲. همان ج ۳، ص ۷۷

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۳۶۵

**د) حیا در مقام عذرخواهی:** در هنگام عذرخواهی نباید خجالت بکشید اگر فعل نامناسبی از فردی سرزنش نماید از عذرخواهی کردن احساس شرمندگی کند اگر چه عذرخواهی بسیار سخت است، انسان باید بداند که نه تنها با عذرخواهی خوار نمی‌شود بلکه باعث بزرگی او خواهد شد.

**رابطه حیا با ایمان:** ایمان که خود در میان مراتب اعتقادی انسان، از رتبه‌ای والا برخوردار است و به تنهایی عامل رستگاری و نجات آدمی معرفی شده است و میان ایمان و حیا رابطه تنگاتنگی وجود دارد به گونه‌ای که انسان بی‌حیا را فاقد ایمان دانسته‌اند.

**رابطه حیا با عقل:** عقل در نزد پروردگار از جایگاه مهمی برخوردار است و در بسیاری از آیات قرآن انسان را به آن رجوع داده است تا به وسیله آن بتواند حق را از باطل تشخیص دهد و به سوی خیر و صلاح گام بردارد و آن را میزان حق و باطل قرار داده است.

**حیا در دیدار:** خداوند متعال حس خاصی را در دیدگان قرار داده که تنها با کمک همین حس می‌تواند با دیگران ارتباط برقرار کند البته خداوند قادر

است به واسطه‌ی همین حس و با همین چشم‌ها



# زینب سلام الله علیها بانوی حیا و عفت

**عفت و پاکدامنی، برزنده ترین زینت زنان و گران قیمت ترین گوهر برای آنان است.**

اذیت هستیم. سهل می گوید: رفتیم و یکصد درهم به نیزه دار پرداخت کردم تا از بانوان دور شود، کار بدین منوال بود تا سرها را نزد یزید بردند. (۴)

آری زینب (سلام الله علیها) حاضر است جان بدهد، فرزند بدهد، برادر و برادرزاده و بستگان بدهد، به اسیری برود و خلاصه هر مشکلی را، تناب بر گردن راه، گرسنگی و تشنگی را تحمل کند. ولی از عفت و حیای خویش چون گوهر گرانبهای مراقبت کند. او حاضر نیست تحت هیچ شرائطی در معرض دیداجنبی قرار گیرد. مکتبی که زینب در آن درس خوانده و دوره دیده به او آموخته که کشته شدن در راه راست را جمال و زیبایی بداند، ولی حضور بدون پوشش و در معرض دید نامحرمان قرار گرفتن را وبال و ننگ و عار و رسوایی بداند.

آری زینب (سلام الله علیها) سرتاپا حیا و نجابت، عفت و پاکی و پاکدامنی است، در بخشی از زیارتنامه حضرت می خوانیم:

**اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیَّتُهَا الْکَرِیْمَةُ النَّبِیَّةُ؛ سلام بر تو ای بانوی بزرگوار و با نجابت و حیا...**

**پی نوشت :**

- ۱- میزان الحکمة، ج ۲، ص ۷۱۷، روایت ۴۵۵۷
- ۲- همان، روایت ۴۵۵۸
- ۳- همان، روایت ۴۵۵۹
- ۴- جزائری، الخصائص الزینبیه

زینب (سلام الله علیها) از یک سو، به زیبایی درس عفت را در مکتب پدر آموخت، آن جا که فرمود: "ما الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرٍ مِّمَّنْ قَدَرَ فَعَفَا يَكَاذُ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ؛ مجاهد شهید در راه خدا اجرش بیشتر از کسی نیست که قدرت دارد، اما عفت می ورزد، نزدیک است که انسان عفیف فرشته ای از فرشتگان باشد. (۱) و از طرف دیگر، حیای ذاتی زینب (سلام الله علیها) می طلبید که در اوج عفت و پاکدامنی باشد، چرا که بارزترین ثمره و پی آمد حیا، عفت و پاکدامنی است. چنان که علی (علیه السلام) فرمود: "سَبَبُ الْعِفَّةِ الْحَيَاءُ؛ عِلَّتُ عِفْتِ وَ پاكدامنی شرم و حیا است" (۲) و فرمود: "أَصْلُ الْمُرُوَّةِ الْحَيَاءُ وَ ثَمَرُهَا الْعِفَّةُ؛ به هر اندازه که حیا باشد، عفت و پاکدامنی خواهد بود." (۳) و در جای دیگر فرمود: "عَلَى قَدْرِ الْحَيَاءِ تَكُونُ الْعِفَّةُ؛ به هر اندازه که حیا باشد، عفت و پاکدامنی خواهد بود.

زینب تمامی آن چه بر مادر گذشت را به ارث برد. منتهی دختر سهم اضافه ای برداشت که از خانه اش به بدترین خانه حرکت کرد (به اسارت رفت). صورت را (در اسارت) با دست راست می پوشاند، و اگر پوشش او را نیازمند می کرد از دست چپ هم بهره می برد.

این نشانه عفت اوست که هنگام ورود به شام، شمر را — که زمانی سرباز علی (علیه السلام) بود و در آن راه مجروح نیز شده بود، ولی ناپاکی ها و بی حیایی ها او را به آن جا کشانده که قاتل فرزند علی (علیه السلام) گردد - احضار کرد و از او خواست که برای حفظ مرز بلند حیا و عفت کاروان اسرا را، از خلوت ترین درب شهر وارد شام نماید و سرهای شهدا را نیز از بین زنها بیرون ببرد، ولی آن ملعون حیا از دست داده و در نتیجه دین را باخته، عکس فرمایش آن حضرت را عمل کرد و اسیران را از شلوغ ترین و پرجمعیت ترین درب شهر، یعنی (درب ساعات) وارد نمود و سر شهدا را نیز بین اسرا جای داد. راوی می گوید: "زینب (و یا ام کلثوم) را دیدم که چادری کهنه بر سر کشیده و روی خود را گرفته بود. امام سجاد (علیه السلام) نیز به سهل بن ساعد صحابی فرمود: اگر می توانی چیزی به این نیزه دار بپرداز تا سر امام را کمی جلوتر ببرد که ما از تماشاچیان در زحمت و





خبر بدی نیست  
مستقیم آنوقت  
می‌خواهش در روزی  
برگشتی  
A restless heart is  
I bored from this  
I would like to be a  
I die in the loneliness

دل عشق ترک خورد، گل زخم نمک خورد، زمین مرد،  
زمان بر سر دوشش غم و اندوه بهانبوه فقط برد، فقط برد،  
زمین مرد، زمین مرد، خداوند گواه است، دلم چشم  
به راه است، و در حسرت یک پلک نگاه است،

ولی حیف نصیب فقط آه است و همین آه خدایا برسد کاش به جایی، برسد کاش صدایم به صدایی...

عصر این جمعه دلگیر وجود تو کنار دل هر بیدل آشفته شود حس، تو کجایی  
گل نرگس؟ به خدا آه نفس های غریب تو که آغشته به حزنی است ز جنس  
غم و ماتم، زده آتش به دل عالم و آدم مگر این روز و شب رنگ شفق یافته در  
سوگ کدامین غم عظمی به تنت رخت عزا کرده ای؟ ای عشق مجسم! که  
به جای نم شبنم بچکد خون جگر دم به دم از عمق نگاهت. نکند باز شده  
ماه محرم که چنین می زند آتش به دل فاطمه آهت به فدای آن شال  
سیاهت به فدای رخت ای ماه! بیا صاحب این بیرق و این پرچم و این مجلس  
و این روضه و این بزم تونی، آجرک الله! عزیز دو جهان یوسف در چاه، دلم  
سوخته از آه نفس های غریب دل من بال کبوتر شده خاکستر پرپر شده،  
همراه نسیم سحری روی پر فطرس معراج نفس گشته هوایی و سپس رفته  
به اقلیم رهایی، به همان صحن و سرایی که شما زائر آنی و خلاصه شود  
آیا که مرا نیز به همراه خودت زیر رکابت ببری تا بشوم کرب و بلایی، به خدا  
در هوس دیدن شش گوشه دلم تاب ندارد، نگهم خواب ندارد، قلم گوشه  
دفتر غزل ناب ندارد، شب من روزن مهتاب ندارد، همه گویند به انگشت ا  
شماره مگر این عاشق بیچاره ی دلداده ی دلسوخته ارباب ندارد... تو کجایی؟  
تو کجایی شده ام باز هوایی، شده ام باز هوایی... .

گریه کن، گریه و خون گریه کن آری که هر آن مرثیه را خلق شنیده است شما  
دیده ای آن را و اگر طاقتتان هست کنون من نفسی روضه ز مقتل بنویسم  
و خودت نیز مدد کن که قلم در کف من همچو عصا در ید موسی بشود چون  
تپش موج مصیبات بلند است، به گسترده‌گی ساحل نیل است،

و این بحر طویل است و ببخشید که این مخمل خون بر تن تبار حروف است که این  
روضه ی مکشوف لهوف است، عطش بر لب عطشان لغات است و صدای  
تپش سطر به سطرش همگی موج مزن آب فرات است، و ارباب همه سینه  
زنان کشتی آرام نجات است، ولی حیف که ارباب "قتیل العبرات" است  
ولی حیف که ارباب "اسیر الکربات" است، ولی حیف هنوزم که هنوز است  
حسین ابن علی تشنه ی یار است و زنی محو تماشاست زبالای بلندی،  
"الف قامت او دال و همه هستی او در کف گودال و سپس آه که "الشمر...  
خدایا چه بگویم "که شکستند سبو را و بریدند... " دلت تاب ندارد به خدا با  
خبرم می گذرم از تپش روضه که خود غرق عزایی، تو خودت کرب و بلایی  
قسمت می دهم آقا به همین روضه که در مجلس ما نیز بیایی  
تو کجایی... تو کجایی... .

سید حمیدرضا برقی



امروزه در جامعه جهانی، حیا در تلویزیون دارد و از سوی دیگر در رسانه یکی از مهمترین ابزار صدا و سیما به لحاظ گستره برای ابلاغ پیام به دیگران مخاطبان جایگاه بی بدیلی در است. بنابراین رسانه باید میان دستگاههای اجرایی و فرهنگ جامعه تحمیل کند. در برنامه های خود به حیا تبلیغاتی کشور دارد و از توجه چشم گیری همین رواست که امام راحل کند. متأسفانه، امروزه در دنیا آن را دانشگاه عمومی جامعه را فراهم می کند، حیا بسیار کم مورد توجه قرار نامیدند. ما صدا و سیما را بدآموزی هایی است که گرفته است و هدف این است عمده ترین مرکز هدایت سریال ها و برنامه های صدا که پیام های رسانه ای با معیار فکری می دانیم. رسانه از یک و سیما درباره ارتباط محرم و حیا سنجیده شوند. سو نقشی بی بدیل در ترویج نامحرم دارند. به عبارتی، و تقویت ارزش های دینی در حالی که بر اساس موازین

# حیا گوهر رگسره در رسانه!

زهرا زحمتکش





شرعی و اخلاقی جامعه ایرانی، روابط محرم و نامحرم در چارچوب خاصی تعریف شده است.

### حیا در نشریات<sup>۱</sup>

افرادی که حاضر می شوند تصویر زننده آنها روی جلد نشریات مختلف چاپ و منتشر شود، نیازمند آسیب شناسی هستند، نوع تبلیغاتی که در مطبوعات، نشریات و آگهی نامه ها و چاپ می رسد، بعضاً حاوی تصاویر زننده و مطالب خلاف عفت عمومی و موازین شرعی است. چون نگاه مردم به نشریات و مطبوعات به این صورت است که این نشریات روزنامه ها و مجلات رسمی کشور با مجوز حاکمیت هستند؛ در واقع ذهنیت مردم این است که آنچه در این نشریات منعکس می شود محصول تفکر حاکمیت و مورد تایید حاکمیت

است. بنابراین مردم تصور می کنند که وضع موجود در فضای مطبوعاتی کشور بلاشکال است و می توان به محتوای آن به عنوان الگو اعتماد کرد؛ از سوی دیگر مردم این گونه تلقی می کنند که اگر این تصاویر و مطالب اشکال داشت حاکمیت اجازه انتشار به آن ها را نمی داد. رویه موجود در فضای رسانه ای جامعه می تواند یک الگوسازی غلط در میان اقشار مختلف مردم ایجاد کند؛ باید علائم ظاهری حجاب و عفاف در مطبوعات و نشریات نیز رعایت شود، عفاف همان حجاب درونی است و حجاب، پوشش بیرونی است یعنی تا زمانی که عفاف درونی نباشد، حجاب بیرونی نیز تامین نمی شود.<sup>۲</sup>

مطالب اشکال داشت حاکمیت اجازه انتشار به آن ها را نمی داد. رویه موجود در فضای رسانه ای جامعه می تواند یک الگوسازی غلط در میان اقشار مختلف مردم ایجاد کند؛ باید علائم ظاهری حجاب و عفاف در مطبوعات و نشریات نیز رعایت شود، عفاف همان حجاب درونی است و حجاب، پوشش بیرونی است یعنی تا زمانی که عفاف درونی نباشد، حجاب بیرونی نیز تامین نمی شود.<sup>۲</sup>

ارتباط نزدیکی دارد و آن "اطلاع رسانی" است. رسانه ها، اخبار و اطلاعات را جمع آوری می کنند و به سمع و نظر مخاطبان می رسانند این کار، ممکن است با رسوا سازی و افشاجری همراه باشد.

### گفتار رسانه

گاهی ممکن است رسانه ها از زشت ترین کلمات و قبیح ترین جملات استفاده کند. ادبیات هتاک و فحاشی، از مصادیق بارز بی حیایی است و گاهی علاوه بر آن که یک خبر، دروغ است و یا اگر دروغ نیست افشاگر و رسوا کننده است، از ادبیاتی استفاده می کند که سرشار از فحاشی است این از نشانه بی حیایی رسانه است، حیا و فحش در برابر هم قرار دارند همانگونه که حیا ناشی از کرامت فرد است، زشتگویی از پستی فرد





است؛ زشتگویی از پستی فرد است؛ فحاشی سلاح افراد پست است؛<sup>۳</sup> انسان کریم و بزرگوار، هرگز از چنین ادبیاتی استفاده نمی‌کند.<sup>۴</sup>

### اشکال کار رسانه

متأسفانه از سهل انگاریهای رسانه را می‌توان به مراسم ازدواج در تلویزیون اشاره کرد. ومرد وزن به راحتی با هم صحبت می‌کنند و یا نزدیک هم می‌نشینند که این در حالی است که بر اساس آموزه های دینی و فتاوی مراجع، روابط زن و مرد نامحرم باید در چارچوب اصول شرعی و تنها در حد ضرورت باشد. در همین راستا گفتگو و نگاه بیش از حد ضرورت شـوخی و حتی

لبخند زنی که به عادی شدن روابط دو نامحرم بینجامد، فاقد حجت شرعی است و این حکم شرعی و اخلاقی میان دو نامحرم آشنا و غریبه هیچ تفاوتی وجود ندارد و با نشان دادن بعضی سریالها ناخواسته زمینه عادی سازی و روابط خارج از چارچوب دینی رواج

داده میشود. بنابراین امروزه حیا باید در رأس امور اجرایی رسانه قرار گیرد و به ارتباط محرم و نامحرم در برنامه های خود بیشتر توجه داشته باشد تا بازدهی کار آنها بیشتر شود و بتواند مخاطبان را به سمت خود جلب کنند. زیرا یکی از عوامل تاثیر گذار رسانه می

باشد، بنابراین دست اندرکاران فیلم هایی را تولید کنند که نه تنها مخاطبان را به حیا دعوت کند بلکه توجه آنها را به حیا برانگیزند تا در جامعه حیا حفظ شود و به زیبایی جلوه کند نه اینکه هر روز بی حیایی گسترش یابد.

۱. سید ضیاء الدین صالحی، وضعیت عفاف در رسانه

۲. همان

۳. ر.ک: سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۴۶

۴. ر.ک: متدرک الوسایل، ج ۲، ص ۳۳۹



# خبرهای مدرسه

## سلسله مباحث اخلاقی با عنوان صبغه الهی

مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها سلسله مباحث اخلاقی با عنوان **صبغه الهی** را در این ترم برگزار می نماید. اولین جلسه آن همزمان با میلاد علی بن موسی الرضا(ع) با حضور سرکار خانم دکتر نیلچی زاده در مدرسه علمیه اسلام شناسی برگزار شد و با استقبال گسترده خواهران علاقمند روبرو گردید. در این جلسه سرکار خانم نیلچی زاده پیرامون ابعاد شخصیتی حضرت زهرا سلام الله علیها و آیین زندگی ایشان به ایراد سخن پرداختند و در پایان به سوالات خواهران در زمینه مهارتهای زندگی توحیدی پاسخ دادند.

## \*کسب رتبه ی برتر غرفه ی مدرسه علمیه اسلام شناسی در نمایشگاه قرآن

گرفه مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها در ششمین نمایشگاه بین المللی قرآن و عترت به عنوان بهترین غرفه در بخش حوزه های علمیه خواهران معرفی شد. طی مراسمی که از سوی مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان در روز میلاد کریمه اهل بیت حضرت معصومه (س) در حرم امام رضا(ع) انجام شد، از تلاش و فعالیت مدارس علمیه خواهران در نمایشگاه قرآن و عترت تقدیر شد. در این مراسم غرفه حوزه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها در ششمین نمایشگاه بین المللی قرآن و عترت به عنوان غرفه برتر معرفی شد و نماینده واحد فرهنگی لوح تقدیر مدرسه علمیه اسلام شناسی را از جناب حجت

## \* برگزاری جشن بزرگ میلاد امام رضا(علیه السلام)

مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها به مناسبت فرارسیدن ایام میلاد علی بن موسی الرضا علیه السلام جشن بزرگ میلاد امام رضا(ع) را با حضور طلاب و علاقمندان برگزار نمود. این جشن همزمان با اجرای اولین جلسه از سلسله مباحث اخلاقی صبغه الهی برگزار شد. در ابتدای این جلسه، که همزمان با برگزاری اولین جلسه از سلسله مباحث اخلاقی صبغه الهی برگزار شد، در فضایی معنوی مدیریت مدرسه علمیه اسلام شناسی و کادر معینه های حج امسال را بدرقه نمودند در ادامه این جشن سخنرانی و پرسش و پاسخ با حضور سرکار خانم دکتر نیلچی زاده برگزار شد و اجرای سرود و تواشیح توسط گروه نجم الثاقب مدرسه علمیه اسلام شناسی و اجرای مولودی طراوت جشن را مضاعف نمود قابل ذکر است که در این جشن مسابقه پیامکی ویژه میلاد امام رضا(ع) نیز برگزار شد و به برگزیدگان این مسابقه هدایایی اهدا شد.



### \* جشن بزرگ ولایت به مناسبت ایام فرخنده عید ولایت و امامت؛ غدیر خم

جشن بزرگ ولایت و امامت با همکاری واحد فارغ التحصیلان، مبلغین و واحد فرهنگی برگزار گردید و کلیه فارغ التحصیلان مدرسه و طلاب در این مراسم شرکت نمودند در طی برگزاری این جشن سرکار خانم ایمان شکیب درخصوص ولایت و امامت و مسئله غدیر خم به ایراد سخن پرداختند و همچنین این مراسم با مداحی مداحان اهل بیت و برگزاری مسابقه پیامکی همراه است. گفتنی است این مراسم در تاریخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۱ ساعت ۱۱:۳۰ در سالن اجتماعات مدرسه علمیه اسلام شناسی برگزار گشت.

### \* اجرای طرح کتابت قرآن مجید

مراسم کتابت قرآن مجید در مورخه ۹۰/۹/۱۸ همزمان با سیزدهم محرم در روز جمعه از ساعت ۸ صبح الی ۱۴ برگزار گردید که به دلیل استقبال طلاب تا ساعت ۱۶ تمدید شد. طلاب با خودکار و بر روی برگه های تذهیب شده قرآن را کتابت نمودند. در این مراسم استاد عالیقدر سرکار خانم غلامی با راهنمایی های خود طلاب را در امر کتابت یاری نمود.

### \* برنامه های ویژه هفته پژوهش

#### \* برگزاری نشست های تخصصی

معاونت پژوهش مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها به مناسبت هفته پژوهش کارگاه ها و نشست های تخصصی برگزار نمود که عبارتند از:

اولین نشست تخصصی تکنولوژی پژوهشهای علمی ویژه اساتید راهنما با حضور دکتر رضایی کرمانی مورخ ۹۰/۹/۱۷ آقای دکتر رضایی کرمانی در این نشست بیان نمودند که: علوم اسلامی چهار پایه دارد که پهنای اطلاعات بایستی بر این اساس با یک رابطه ی منطقی گسترش داده شود اولین پایه، شخصیت شناسی است و دومین پایه مأخذ شناسی می باشد. سومین نیز اصطلاح شناسی و در آخر نیز می توان به نظریه پردازی اشاره نمود. لازم به ذکر است که مباحث تکمیلی از قبیل صد نکته کلیدی درباره نویسنده، پنجاه نکته منفی درباره ی پایان نامه ها، راه کارهای تعیین بایسته های پژوهش نیز مورد بررسی قرار می گیرد.

دومین نشست تکنولوژی پژوهشهای علمی ویژه ویژه طلاب با حضور دکتر نوعی مورخ ۹۰/۹/۲۶ و نشست تخصصی زندگی رو به معاد با سخنرانی سرکار خانم خاکبان در محل سالن اجتماعات مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا (ع) مورخ ۲۰ و ۲۷ آذر ماه ۱۳۹۰ راس ساعت ۷:۱۵ صبح با هدف تبیین تاثیر معاد در زندگی فردی و اجتماعی؛ تبیین تاثیر معاد در قلمرو اخلاق و ترویج فرهنگ معاد باوری در میان اقشار مختلف جامعه برگزار می گردد.

#### \* شرکت معاونت پژوهش در نمایشگاه بین المللی هفته پژوهش

معاونت پژوهش مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها با ارسال دستاوردهای پژوهشی سطح ۳ و ۲ کتاب گزارش، بنر و بروشور حضور فعال داشت.

#### \* برگزاری کارگاه فوق برنامه پژوهشی

معاونت پژوهش مدرسه در آستانه فصل امتحانات و با توجه به نیاز طلاب به آموزش فنون و روش های یادداشت برداری و خلاصه نویسی، کارگاه فوق برنامه پژوهشی را با حضور استاد محترم جناب آقای طحانپور در تاریخ پنج شنبه ۹۰/۱۰/۱۵ ساعت ۱۰ (ویژه شرکت کنندگان در اعتکاف علمی) در محل سالن اجتماعات مدرسه برگزار می نماید همچنین کارگاه آموزشی تکنیک های استفاده هوشمندانه از اینترنت و روش های نوین جمع آوری اطلاعات را نیز ویژه فارغ التحصیلان در حال تدوین پایان نامه در همین تاریخ برگزار خواهد نمود.

### \* جشنواره تقدیر از پژوهشگران برتر مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

همزمان با ایام هفته پژوهش معاونت پژوهش مدرسه جشنواره تقدیر از پژوهشگران برتر این مدرسه را دوم دیماه سال جاری در ساعت ۱۰:۳۰ صبح در سالن اجتماعات مدرسه برگزار می نماید. این جشنواره با حضور مدیریت محترم مدرسه، معاونان و اساتید پژوهشگر برگزار خواهد شد و به ۲۰ نفر از برگزیدگان جشنواره جوایزی اهداء خواهد شد. جشنواره تقدیر از پژوهشگران به منظور ارج نهادن به مسئله تحقیق و پژوهش و قدردانی از زحمات و تلاشهای پژوهشگران این حوزه علمیه که در راستای اعتلای علمی خود همواره در تلاش هستند برگزار می شود. در این مراسم علاوه بر تقدیر از پژوهشگران برتر استانی خانم ها عظیمی، مکفی، صاحبکار خراسانی، کرمی نژاد، عابدی پور، خیرخواه، عطارزاده، عبداللهی و یوسفی از گروه های پژوهشی فعال در پژوهشکده اسلام شناسی، اساتید محقق، از نفرات اول تا سوم کلیه پایه ها در زمینه تحقیقات درسی و پایانی برتر با اهداء لوح سپاس و جوایز نفیس تقدیر به عمل خواهد آمد این مراسم با تلاوت آیاتی چند از کلام... مجید آغاز خواهد شد و پس از قرائت گزارش مقدماتی دبیر علمی جشنواره و سخنرانی سرکار خانم دکتر اعلمی، جوایز اهداء خواهد شد.

### \* برگزاری همایش جامعه فاطمی و معیارهای اقتصادی

معاونت پژوهش مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها همایش جامعه فاطمی و معیارهای اقتصادی را برگزار می نماید. سرکار خانم طالقانی معاون پژوهشی مدرسه علمیه اسلام شناسی با اعلام این خبر هدف از برگزاری این همایش را تبیین شاخصه های رفتار اقتصادی زنان در خانواده و جامعه با الگو گیری از سیره عملی حضرت زهرا(س) و نیز ارائه راهکارهای عملی در جهت مدیریت اقتصادی خانواده بر اساس الگوی فاطمی بیان نمود. استاد محترم حوزه سرکار خانم طالقانی، از کلیه علاقمندان به این پژوهش دعوت نمود تا مقالات خود را در این زمینه با رعایت اصول علمی و نگارشی حداقل در هشت صفحه و حداکثر در سی صفحه ارائه دهند. گفتنی است علاقه مندان می توانند آثار خود را تا ۳۰ آذر ماه به صورت پرینت شده همراه با فایل الکترونیکی آن به نشانی مشهد، خیابان چهارراه لشکر، امام خمینی ۴۸ رسال کنندو برای کسب اطلاع بیشتر با شماره ۰۵۱۱-۸۵۲۵۲۵۱ تماس حاصل نمایند. مراسم اختتامیه و تقدیر از برگزیدگان در تاریخ ۱۰ دیماه ۱۳۹۰ برگزار خواهد شد.

### \* نشست های تخصصی همایش جامعه فاطمی و معیارهای اقتصادی

به منظور استفاده از نظرات اساتید صاحب نظر در رابطه با سیره زندگی حضرت فاطمه در امور اقتصادی و با هدف آشنا کردن طلاب با زندگی فاطمی و اصلاح فرهنگ اقتصادی آنان کارگاه های آموزشی و سلسله نشست های تخصصی برگزار گردید. نخستین روز این سلسله نشست ها با حضور سرکار خانم شریفی با محوریت "شاخصه های رفتار اقتصادی زنان در خانواده و جامعه" برگزار شد. "تجمل گرایی آفت خانواده و جامعه فاطمی" عنوان دومین نشست تخصصی بود که با حضور سرکار خانم چگینی برگزار گردید. در سومین روز، خانم زوار زاده در نشست یاد شده حضور یافت و با موضوع "نقش رفتار اقتصادی زنان در تربیت فرزندان"، به طرح مباحث مرتبط با جهاد اقتصادی بانوان مسلمان پرداخت. در چهارمین نشست جامعه فاطمی و معیار های اقتصادی، مجددا خانم شریفی درباره "سیره حضرت زهرا (س) در رفتار های اقتصادی" سخنرانی نمود. سرکار خانم چگینی از اساتید و محققان حوزه علمیه نیز با عنوان "آسیب شناسی رفتار های اقتصادی زنان مسلمان" یکی دیگر از شرکت کنندگان در این نشست های تخصصی بود. در نشست دیگری سرکار خانم زوار زاده مجددا با بیانات خود پیرامون مبحث تجمل گرایی آفت خانواده و جامعه فاطمی به طرح مباحث مرتبط با جهاد اقتصادی بانوان پرداختند. در همین زمینه مباحث "تربیت اقتصادی فرزندان در خانواده فاطمی" رفتار شناسی اقتصادی در خانواده فاطمی و... توسط اساتید محترم به بحث و بررسی گذاشته شد. هدف از برگزاری نشست های تخصصی تبیین و بستر سازی دیدگاه های اساتید کارشناس و بحث و بررسی پیرامون فرهنگ سازی اقتصادی با توجه به الگوی فاطمی و نیز ایجاد تعامل با مراکز علمی و تحقیقاتی و اطلاع از نقطه نظرات اساتید حوزه های مختلف در



# حیا از منظر نهج البلاغه

انسیه رجبی

عبادات را انجام می دهد و از معاصی و سیئات اجتناب می کند، لذا حضرت علی (علیه السلام) در بیان اهمیت حیا فرمودند: هیچ ایمانی مانند حیا و صبر نیست و ایمان بوسیله حیا و بردباری تکمیل می شود و اهمیت حیا به این است که کامل کننده ایمان است.

## نتیجه حیا

حکمت ۲۲۳- "من كساه الحياء ثوبه لم ير الناس عيبه"<sup>۴</sup>  
"هر که حیا و شرم جامه خود را به او پوشانید (شرم پیشه گرفت) مردم زشتی او را نخواهند دید (عیبی ندارد تا مردم ببینند یا اگر هم داشته باشد بر اثر حیا از نظر مردم پنهان مینماید).

همان طور که لباس و تن پوش، زشتی ها و عیوب بدن را می پوشاند، حیا نیز جنبه پوشش برای بسیاری از عیوب و کاستیهای ناروای انسان دارد. فرد بی حیا و دریده، احترام و اعتبار اجتماعی ندارد و بخاطر نداشتن کسای حیا از موقعیت انسانی خود سقوط می کند. این قسم از حیا عقلانی است. حیای عقلانی، پسندیده، لازمه رشد، نشان عقل و دین و یک ارزش اخلاقی است.

موضوع این مقاله حیا در نهج البلاغه است یکی از فضایل اخلاقی که خداوند در قرآن کریم به آن اشاره فرموده<sup>۱</sup> و ائمه معصومین (علیهم السلام) به آن پرداخته اند حیا می باشد. حیا یعنی اجتناب از آن چه عقل و عرف آن را زشت و ناپسند می دانند. اولین قوه مندرجه در عفت حیا است لذا برای ترویج حیا بین زنان و مردان یک جامعه باید ابتدا حیا در آن ملکه شود.

## اهمیت حیا

حکمت ۱۱۳- "لا ایمان کالحیاء و الصبر"<sup>۲</sup>

"هیچ ایمانی مانند شرم و شکیبایی نیست."<sup>۳</sup>

ایمان، نشاط و وجود مومن است. تمام اوصاف و اعمال در قلمروی ایمان، رنگ توحیدی پیدا می کند. هر یک از صادرات فکری و عملی بهره ای از ایمان دارد. زبان، چشم، گوش و ... همه زیر مجموعه قلب و تحت تأثیر اعتقادات انسان است و هر یک از جلوه های وجود او نمایشگر بخشی از ایمان هستند.

این مضمون در دیگر احادیث نیز وجود دارد که نشان می دهد حیا نیمی از ایمان است. زیرا حیا از دو بخش تشکیل شده: علم و عمل. بوسیله حیا انسان طاعات و



## عامل کم شدن حیا

حکمت ۳۴۹- "من کثر کلامه کثر خطؤه و من کثر خطؤه قل حیاؤه و من قل حیاؤه قل ورعه و من قل ورعه مات قلبه و من مات قلبه دخل النار"<sup>۵</sup>  
ترجمه: "...و هر که پرگوید خطا و اشتباه بسیار کند (چون در گفتار اندیشه بکار نبرد) و هر که خطا بسیار کند شرمش کم شود (چون کار زشت پیشه او می شود) و هر که شرمش کم شود پرهیزکاری و دوری از گناهش کم گردد (چون بی شرم از انجام هر کار ناشایسته پاک ندارد) و هر که پرهیزکاری اش کم شود دلش می میرد و هر که دلش بمیرد داخل آتش شود."<sup>۶</sup>

صفات اخلاقی بصورت زنجیره ای به هم مرتبط اند به طوری که هر صفت، صفت دیگری را در پی خود ایجاد میکند. در قرآن و روایات به این مهم اشاره شده است. به عنوان مثال گزیده گویی خود به نوعی باعث ایجاد حیا در انسان میشود. در حکمت مورد بحث نیز حضرت علی (علیه السلام) پرحرفی را بخاطر پراشتباه شدن عامل کم شدن حیا می داند. زیرا شرم همان چیزی است که به خوبی جلوی انجام کارهایی را می گیرد که اقدام بر آن ها به دلیل پیامدهای ناروایشان زشت است.<sup>۷</sup> ایشان در مورد اثر سکوت می فرمایند: بکثرة الصمت تکون الهیبة یعنی با سکوت وقار انسان بیشتر می شود.<sup>۸</sup>

## حیای مذموم

حکمت ۲۱- "قرنت الهیبة بالخیبة و الحیاء بالحرمان"<sup>۹</sup>  
"امام (در نکوهش ترس و شرمندگی بیجاواز دست دادن فرصت) فرمودند: ترس همراه زیان و شرمندگی پیوسته نومیبدی است. (پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) می فرمایند: الحیاء الحیاء ان حیاء عقل و حیاء الحمق فحیاء

العقل هو العلم و حیاء الحمق هو الجهل. و فرصت مانند ابرگذرنده میگردد پس فرصت های نیکو را از دست ندهید."<sup>۱۰</sup> حیایی که منوعیت و محرومیت می آورد برخاسته از عدم تعقل و تدبر است. یکی از موارد حیایی مذموم، گفتن نمی دانم هنگام عدم آگاهی و عدم یادگیری هنگام ندانستن است. ستوده است.<sup>۱۱</sup> اگر انسان چیزی را نداند و از آموختنش شرم کند در نادانی باقی می ماند و این در اسلام ناپسند است چرا که خداوند در قرآن به قلم (وسیله نوشتن) سوگند می خورد که این سوگند نشان از اهمیت علم آموزی است.<sup>۱۲</sup>

**بنابراین برای اینکه انسان بتواند حیا را در خود تقویت کند باید به این حقیقت توجه کند که همان کسی که اجل دست اوست او را می بیند زیرا انسان از کسی که او در نفس خود بزرگ می داند شرم می کند و نمی خواهد چنین کسی بر عیب او آگاه گردد لذا انسان از جانوران و کودکانی که تشخیص نمی دهند شرم نمی کند. از عالم بیشتر شرم دارد تا نادان و از یک گروه بیشتر شرم می کند تا از یک فرد. و برای رسیدن به حیا راهی به جز تقویت بنیادی تقوا و ایمان نداریم.**

پی نوشت :

۱- سوره قصص آیه ۲۵

۲- ابوالحسن محمد بن الحسین، نهج البلاغه، محمد دشتی، ص ۴۶۲

۳- علی نقی، فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ص ۱۱۳۹

۴- سید رضی، نهج البلاغه، محمد دشتی، ص ۴۸۲

۵- ابوالحسن محمد بن الحسین، نهج البلاغه، محمد دشتی، ص ۵۰۸

۶- علی نقی، فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ص ۱۲۵۰

۷- ر.ک: کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه ابن میثم، محمد رضا عطایی، ج ۵، ص ۷۰۰

۸- همان، حکمت ۲۲۴، ص ۴۸۲

۹- ابوالحسن محمد بن الحسین، نهج البلاغه، محمد دشتی، ص ۴۴۶

۱۰- علی نقی، فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، ص ۱۰۹۶

۱۱- ر.ک: ابن ابی الحدید، همان

۱۲- سوره قلم (۶۸) آیه ۱







در این باران نگاه های مسموم  
چتر حجاب را با خود بردار

حجاب

سمانه خراسانی

# حیا و برانزنگر پوشش و

در جامعه فعلی دیده می شود که پوشش و نوع لباس پوشیدن در بسیاری از مکانها و فرهنگ ها حد و مرز مشخصی ندارد، بسیاری از مردان احساس کرده اند که هیچ محدودیتی برای آنها وجود ندارد و همین طور عده کثیری از بانوان حیا و عفت و شرع و دین را با هم کنار	گذاشته اند و اصل انسانیت و زن بودن خویش را فراموش کرده اند آنان از یاد برده اند که زن با حیا مفهوم و ارزش پیدا می کند. بی حیائی علاوه بر آنکه خود صفتی ناپسند است سایر صفات ناشایست انسان را هویدا می سازد، اما وجود آن در ادمی سبب رسیدن به	همه زیبایی هاست همان طور که مولی متقین به فرزند بزرگوارشان امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: "الحیاء سبب الی کل جمیل" <sup>۱</sup> داشتن حیا یک سری تاثیرات در وجود ادمی بر جای می گذارد که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:	.محبوبیت الهی ،اسلام کامل و بر طرف شدن عیوب موانع ظهور حیا برخی از اعمالی که از ما سر می زند و حتی خیلی از علائق ما مانع بر ظهور حیا در وجودمان می گردد .
---	--	--	---

۱. مداومت بر گناه:

وقتی شخص برای بار

اول مرتکب گناهی می





شود دلش می لرزد و نگران است؛ این همان حیا می باشد، اما چنانچه به گناه خویش ادامه دهد و اسرار ورزد حیا ریخته می شود و دیگر نگرانی و اضطراب در دلش راه نمی یابد.

نمی آید پس علاقه به شهرت و خود نمائی از صفاتی است که دین را زایل می نماید.

۳. فقر و تنگ دستی می تواند ان چنان فشاری بر انسان بیاورد که دست از حیا و ایمان بشوید.

۲. علاقه به خود نمائی و شهرت: وقتی انسان متمایل به شهرت و معروف شدن گردد، از حیا و عفتش کاسته می شود، حاضر می شود به هر قیمتی شده دیگران را جذب کند و خود را بر آنها عرضه نماید وقتی که چنین شد دیگر توجهی به پوشش و گفتار و رفتار خودش ندارد، و در صدد مطابقت آنها با موازین الهی و توحیدی بر

۴. بی دینی: کسی که دین ندارد و مقید به چیزی نمی باشد، حیا در نزدش بی معنی و مفهوم می گردد. همان طور که در قبل آوردیم امام حسن مجتبی (علیه اسلام) فرمودند: "کسی که دین ندارد حیا ندارد".

ظهور حیا در شخص می شود و تقویت ایمان تقویت حیا را به دنبال دارد؛ پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

#### عوامل ظهور حیا:

"حیا شعبه ای از ایمان است و جز خیر به دنبال ندارد."<sup>۲</sup> پس یکی از عوامل اصلی ظهور حیا در انسان طلوع ایمان در قلب اوست.

آثار حیا و موانع ظهور آن را مختصراً مورد بررسی قرار گرفته شد، حال باید به سوالی که در ذهن هر خواننده ای به وجود می آید پاسخ داده شود، چگونه حیا را در خود ظاهر و بارز نمائیم؟

۲- محبت و معرفت: حیا از مقوله محبت است و در این وادی مطرح می شود، نه از مقوله تکلیف و وظیفه،

۱. ایمان: از جمله عواملی است که باعث



انسان از روی عشق و محبت حیا می کند؛ و تا به مراحل بالائی از معرفت نرسد این مفهوم را درک نخواهد کرد.

برای مثال شخصی که نسبت به امامش محبت و معرفت دارد و خود را در حضور ایشان می بیند، حیا می کند که در حریم مطهرشان گناه و یا حتی مباحی ناپسند از او سر بزند؛ مثلا پاهایش را دراز کند، سعی می کند ایستاده زیارت کند و اگر نتوانست بر روی زانویش می نشیند از روی محبت و معرفت نسبت به ایشان، سختی را تحمل می کند تا رضایت ایشان را جلب نماید.

پس اگر بخواهیم حیا را خود حفظ و ظاهر نمائیم باید در جهت تقویت ایمانمان تلاش و سعی در

تحصیل محبت و معرفت نماییم، که خود در پی ایمان قوی حرکت می کند برخی تظاهر به حیا را از عوامل ظهور آن دانسته اند انسان می تواند با تقلید و تکرار حالات شخص با حیا این صفت را در خود ایجاد نماید. اگر من به عنوان یک دختر جوان بدانم که انسان ذاتا، آنچه را که با سختی به دست می آورد است ارزشمندتر می پندارد، مانند ارزش مروارید در دل صدف و در اعماق اقیانوسها نسبت به سنگ کنار ساحل، بیشتر در حفظ حیا و حجاب و عفاف خویش تلاش می کنم .

زن بی حیا بدون حجاب ارزش حقیقی و انسانی خود را نزد مردان از دست می دهد و

همسرانشان احساس رسیدن به گوهری گران قیمت را ندارند. آفردهیچکاک کارگردان مشهور سینما که فرهنگ غرب را تجربه کرده است می گوید: "زنان شرقی تا چندی قبل، به خاطر حجاب و نقابی که به کار می بردند، خود به خود جذاب بودند اما با گرایش و تقلید و تشبیه به زنان غربی و برداشتن حجاب، خود به خود از جذابیت ذاتی آنان کاسته شده است" پس جذب جز با حیا و پوشش برای زنان مقدور نمی باشد.

اگر زنی حیا پیشه کند نه تنها نزد خداوند بزرگ و محبوب می گردد که نزد دیگران هم عزیز و بزرگ می شود، با افزایش و تقویت ایمان، حیا در وجود شخص تقویت و

تثبیت می گردد؛ اگر ایمان در فردی غالب شد هر پوششی را انتخاب و استفاده نمی کند. زیرا پوشش هر شخص نشانگر میزان حیا در او می باشد. چنانچه همه زنان حیا و عفاف را در خود تجلی بخشند جامعه ای سالم خواهیم داشت، که نتیجه چنین جامعه ای جز سرافرازی و سربلندی نخواهد بود.

پی نوشت :  
۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۸۲  
۲. مسعودبن عیس ورام، مجموعه ورام، ج ۱۹۱



# گزارش

سرکار خانم دهقان معاون فرهنگی مدرسه علمیه اسلام شناسی در رابطه با اجرای طرح تفسیر ساختاری قرآن کریم که برای اولین بار در میان حوزه های علمیه در این مدرسه و برای عموم اساتید ؛ کادر ، طلاب و فارغ التحصیلان و مبلغین در حال اجرا می باشد. ایشان هدف از برگزاری این طرح را آشنایی با مفاهیم آیات قرآن کریم به شکل دسته بندی شده و نظم پیوسته برای اساتید و طلاب اعلام نمود و افزود به یاری خداوند متعال و با پیگیری قاطعانه مدیریت محترم مدرسه سرکار خانم مقدسی که در حقیقت بانی اجرای این طرح بزرگ می باشند تفسیر کل قرآن کریم در طی دوره ۴ ساله به پایان خواهد رسید . همچنین آغاز این دوره برای اساتید از تابستان سال ۹۰ و برای طلاب در همه پایه ها از مهرماه سال جاری به صورت اصولی و با مقررات خاصی در ساعات فرهنگی مدرسه در حال اجرا می باشد .

وی مراحل تدریس در این طرح ، را به صورت ذیل اعلام نمود :

۱- متن خوانی قرآن کریم

۲- بیان نکات ضروری تفسیری که بدون آن ها معنای آیه نامفهوم خواهد بود.

۳- فهرست زنی به آیات به منظور راه یافتن به ساختار سوره .

۴- مرور کردن: در فاصله زمانی یک روز، یک هفته و یک ماه مطالب خوانده شود.

وزمان مورد نیاز در سه ماه آموزشی ۱۰۰ جلسه تعیین گردیده است .

وی همچنین از علاقمندان به حضور در این طرح دعوت نمود جهت ثبت نام به واحد فرهنگی مدرسه ستاد تفسیر ساختاری مراجعه نمایند .

۲۴

فرشته چاووشی





## حماسه ۹ دی حماسه ای مانند گارا

یوم الله نهم دی ماه سال ۱۳۸۸ روزی ماندگار در صفحات تاریخ زرین انقلاب اسلامی است. بدون شک این روز بزرگ یک نقطه عطفی است که عظمت ملت ایران را بیش از پیش در نگاه جهانیان برجسته ترمی نمایاند. همچنان که در سال ۸۸ ملت سلحشور ایران اسلامی با خروش و بیداری خود مقابل طغیان گران پست و خود فروخته ایستاده و با سرکوب و کور کردن چشم نفاق پیروزمندانه به مسیر حق خود ادامه دادند، ملت شریف و شهادت طلب ایران اسلامی در یوم الله ۹ دی به جهانیان و بخصوص اربابان نظام سلطه و چند چهره فتنه گر سال ۸۸، یک بار دیگر یادآوری کرد که حتی اگر تمام دنیا در مقابل دین و عزم راسخ آنها صف کشی کنند، نخواهند توانست بر عزم و اراده و ارادت این ملت به دین و شریعت اسلام و رهبری ولی فقیه کوچکترین خدشه ای وارد کنند و چه بسا تمام قد در برابر فتنه آنها خواهند ایستاد. آری ملتی که در ۹ دی حماسه آفرید همان ملتی است که بارها با مهارت شناخت و بصیرت خود بر دهان استکبار و جبهه باطل و یاوه گویان مشیت سنگینی را فرود آورد. و در برخورد با فریب خوردگان پست فتنه در هتک حرمت عزای حسینی و خیمه سید الشهداء علیه السلام، به رغم خواسته و تصور دشمنان چنانچه که دشمنان در قیام عاشورا نتوانستند به مقصد خود برسند بار دیگر خون بر شمشیر پیروز گردید و بصیرت ملت انقلابی و شهید پرور ایران اسلامی با درس از عاشورای حسینی بر همه خواسته های دشمن مهر (باطل شد) زده و بار دیگر چهره واقعی منافقان را افشا کرد و به زباله دان تاریخ فرو انداخت. چرا که مشعل حماسه حسینی هرگز خاموش شدنی نیست. عمل به هنگام و تشخیص به موقع و تجلی دینی در دفاع از اسلام و انقلاب و رهبری مهمترین ویژگی ۹ دیماه است این ویژگی به حدی بزرگ بود که از نگاه رسانه های دوست و دشمن پنهان نماند. مانیز همگام با مراجع عظام تقلید، علمای بزرگوار و تمامی آحاد مردم فهیم و ولایت مدار ضمن اعلام بیعت مجدد با آرمانهای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری این برگ زرین تاریخ انقلاب اسلامی را گرامی می داریم. و از درگاه ایزد تعالی فرج بقیة الله العظم (ارواحنا له الفداء) و طول عمر پربرکت برای رهبر عظیم شان انقلاب مقام معظم رهبری مسئلت داریم.







بدون شك نعمتها و مواهب موجود در کره زمین برای ساکنانش کافیت اما به شرطی که بیهوده به هدر داده نشود و به صورت صحیح و معقول و دور از هرگونه افراط و تفریط مورد بهره برداری قرار گیرد. اسراف به هرگونه زیاده روی در معصیت، خوراک، پوشاک و ... گفته می شود. تبذیر به معنی هدر دادن و اتلاف آنهاست. اقتصاد به معنای میانه روی در مصرف است. هدف نگارنده این است که ریشه ی اسراف در جامعه که فراگیر همه است از بین برود و اگر چنین مطالبی در دست مردم از اشتباه خود آگاه نمی شوند این مشکلات هم برطرف نمیشود. لذا در نوشتار حاضر مباحثی از قبیل: تعریف اسراف و تبذیر و معیارهای تشخیص آن، زمینه ها و عوامل، آسیب های بیان می گردد.

## تعریف اسراف و تبذیر و تفاوت آنها

واژه اسراف در اصل به معنای «تجاوز از حد وسط» است.<sup>۱</sup>

در قرآن کریم نیز «سرف» تجاوز از حد در کاری است که آدمی انجام می دهد، گر چه کاربرد آن در انفاق و خرج کردن مال مشهور است. این گونه تجزیه و تحقیق قانونی در مکاتب دیگر به چشم نمی خورد.

واژه تبذیر نیز در اصل به معنای پراکنده ساختن و جدا کردن چیزی است که از پاشیدن بذر در زمین گرفته شده است.<sup>۲</sup> سپس به معنای نابود کردن و هدر دادن مال و به تعبیر عامیانه ریخت و پاش به کار رفته است. بنابراین اسراف با تبذیر معنای نزدیکی دارد؛ با این تفاوت که اسراف بیشتر در زیاده روی و مصرف به کار می رود و حتی ممکن است در ظاهر چیز هدر نشود، ولی تبذیر، هدر دادن مال و اتلاف آن می باشد و کار برد آن هنگامی است که امکانات، بیهوده نابود گردد.

## معیارهای تشخیص اسراف و تبذیر

از گفته های اهل لغت و تفسیر در مورد واژه اسراف به دست می آید که با سه ملاک، حد معتبر در اسراف ملکه رعایت آن میانه روی است و تجاوز از آن موجب می شود تا انسان در شمار سرتین قرار گیرد.

### «گناهان و محرمات شرعی» (ملاک شرعی)

از نگاه قرآن و روایت، تمام واجبات و محرمات دینی، حدود الهی به شمار می روند و هر گونه تغییر در احکام یا عمل نکردن به آنها خروج از حد و مضرع تلقی می شود،

### حکم عقل و معیارهای عقلی (ملاک عقلی)

این در مواردی است که عقل بر قبح صرف مال در آن موارد حکم می نماید، به گونه ای که تجاوز از آن به نوعی سفاقت و جهالت رجوع کند.

### «عرف جامعه» (ملاک عرفی)

ملاک دیگر در موضوع شناسی اسراف، عرف می باشد. تشخیص موضوعات احکم بیشتر بر عهده عرف و مکلف نهاده شده است و در عین حال برای ضابطه مند کردن تشخیص عرفی، معیارهایی ارائه شده است.

اینک معیارهایی را که برای تشخیص عرفی اسراف ارائه گردیده است، بررسی می کنیم:

معیار اول: هدر دادن منابع و امکانات.

## گستره اسراف و تبذیر

براساس مفهوم لغوی و کاربرد قرآنی - حدیثی، اسراف و تبذیر، گستره آن دو بسی فراگیر بوده و در عرصه اقتصادی، تمامی امکانات مادی و کالاهای مصرفی را شامل می شود. اسراف در آب، اسراف در لباس، اسراف در مسکن واحداث بنا، بی توجهی به بازیافت مواد، اسراف در وسایل نقلیه ناآگاهی.

## زمینه ها و عوامل اسراف و تبذیر

۱- جهل و ناآگاهی: عامل بسیاری از انحرافات اخلاقی و رفتاری، از جمله اسراف و تبذیر است. ناآگاهی به موضوع و معیارهای اسراف سبب می شود بسیاری از افراد، ناخواسته گرفتار اسراف شوند.

۲- هوا پرستی: یکی از عوامل مهم اسراف و تبذیر، هوا پرستی است. نفس آدمی در گرایش به لذت های مادی، سیری ناپذیر است، از این رو و هر گاه خواسته های نفس با آموزه های عقلانی و دینی مهار نگردد، از نظر روحی و روانی، سرچشمه غفلت از خدا و خلق می گردد.

## ۳- ثروت اندوزی و رفاه زدگی

مال و ثروت به طور طبیعی زمینه ساز رفاه زدگی و هوا پرستی است،<sup>۴</sup> و با نپرداختن به اصلاح و تهذیب نفس و بی توجهی به دستورات عقل و دین، روحیه مصرف گرایی و رفاه زدگی و به تعبیر قرآن «اتراف» (در آدمی به وجود می آید).

۴- ردیلهای اخلاقی: منشأ دیگر بسیاری از انحرافات رفتاری و از جمله اسراف و تبذیر، فساد اخلاقی است. در این میان برخی ردیلهای اخلاقی، ارتباط مستقیمی با موضوع بحث دارد که از آن جمله است: خود برتر بینی، برتری جویی و خود نمایی.

۵- الگو پذیری از مسرفان: آدمی در ابعاد گوناگون زندگی و در خوی و منش اخلاقی و رفتاری خود، سخت تأثیر پذیر است. الگوها در شکل دهی شخصیت و رفتار آدمی تأثیر به سزایی دارد.

۶- ناآشنایی به فرهنگ مصرف: در حال حاضر جامعه ی ما هر روز شاهد از بین رفتن وسایل و امکانات (خانگی، اداری و ...) و روانه شدن آن ها به انبارها و کاروانسراهای ضایعات فروشی است.

## ۷- عوامل روانی

الف) احساس حقارت و خود کم بینی

ب) وسواس و عادت های ناپسند

۸- عوامل اخلاقی: یکی از عواملی که موجب خروج از حد و مرز اعتدال و میانه روی و تجاوز از حد و مرزها می شود سقوط اخلاقی و پیروی و از هوی و هوس ها است. یکی از آن شکست ها، علاوه بر خسارت و زیان مالی، ضربه های مهلک به شخصیت و حیثیت انسانی است.<sup>۵</sup>

آسیب های اسراف و تبذیر



اسراف و تبذیر، پیامدهای فراوانی در عرصه‌ی اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی لازمه‌ی آن است که به پیامدهای مهم آن از نگاه آموزه‌های دینی، اشاره می‌کنیم. (الف) نابودی سرمایه‌ها: بارزترین اثر نامطلوب اسراف و تبذیر، هدر دادن ثروت‌ها و اتلاف منابع و امکانات مادی است.

(ب) تضییع حقوق دیگران: اسراف و تبذیر در بعد اجتماعی، مایه تضییع حقوق دیگران می‌گردد. بر اساس مبانی اقتصاد اسلامی، منابع و امکانات مادی در زمین، از آن همه افراد بشر است و هر کس تنها در محدوده نیازهای متعارف خد حق بهره برداری از آن را دارد.

(ج) مفاسد اخلاقی و رفتاری: اسراف و تبذیر، از دو جهت سرچشمه و عامل مفاسد اخلاقی و رفتاری است: نخست آنکه در آمد محدود بسیاری از افراد را کاهش می‌دهد. دوم اینکه اسراف و تبذیر، بیشتر همراه با مصرف گرایی و رفاه زدگی و غرق شدن در لذات مادی (اتراف) است که خود منشأ بسیاری از مفاسد اخلاقی و اجتماعی و حتی انحرافات عقیدتی می‌باشد.

(د) سقوط معنوی: اسراف و تبذیر، افزون بر زیانهای اقتصادی، سقوط معنوی و دور شدن آدمی از مقام قرب الهی را در پی دارد. محرومیت اسراف کاران و تبذیر کنندگان از دوستی و هدایت خدا، گمراهی و همسانی با شیاطین، از پیامدهایی است که قرآن کریم به آن تصریح نموده است.

پی نوشت :

- ۱- ابن فارس، مقاییس اللغة، ۳، ۱۵۳، ابن منظور، لسان العرب، ۹، ۱۴۸.
- ۲- طرح هائی از اقتصاد اسلامی و مسئله ربا، تألیف سید صادق شیرازی، انتشارات قرآن، سال ۵۴، ص ۶۶.
- ۳- ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۱۶.
- ۴- نك: عبدالواحد بن محمد آمدی، غرر الحكم و درر الكلم، ص ۳۶۸.
- ۵- نادر آزاد بخت، سید طاهر موسوی فر، اصلاح الگویی مصرف (اندیشه‌ها و راه کارها)، انتشارات شاپور خواست، چاپ اول، ص ۲۹-۳۴.
- ۶- نك: انعام(۶)، آیه ۱۴۱؛ مؤمن(۱۴۰)، آیه ۲۸؛ اسراء(۱۷)، آیات ۲۶-۲۷.



## مرگتان باد ای رانده شدگان احزاب!

امام حسین علیه السلام (صبح عاشورا) بر شترش - و به قولی بر اسبش - سوار شد و مقابل صف دشمن آمد، فرمود: ساکت شوید، آنها پس از مدتی ولوله، سکوت کردند، پس از حمد و ثنای الهی و درود بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و فرشتگان و پیامبران و رسولان با بیانی شیوا و رسا به موعظه دشمنان پرداخت، سپس فرمود: تبّا لکم ایّتها الجماعة و ترحا حین استصرختمونا و الهین فاصرخناکم موجفین مستعدّین، سلّتم علینا سیفا لنا فی ایمانکم، و حششتم علینا نارا اقتدحنها علی عدوّنا و عدوّکم الباعلی اولیائکم و یداعلیهم لاعدائکم، بغیر عدل افشوه فیکم، و لا امل اصبح لکم فیهم. فهلّا لکم الویلات، ترکتمونا؟ و السیف مشیم، و الجأش ضامر، و الرأی لما یستصحف، و لکن اسرعتم الیها کطیر الدّبا، و تداعیتم الیها کتهافت الفراش، فسحقا لکم یا عبید الامّة، و شرار الاحزاب، و نبذة الکتاب، و محرّقی الکلم، و عصبه الاتّام، و نفثه الشیطان، و مطفی السنن هؤلاء تعضدون، و عنّا تتخاذلون؟ اجل، و الله غدر فیکم قدیم، و شجت الیه اصولکم، و تأزّرت علیه فروعکم، فکنتم اخبث ثمر شجی للنّاظر، و اكلة للغاصب الا و انّ الدّعی بن الدّعی قد رکز بین اثنتین، بین السّلة و الذّلة، و هیهات منّا الذّلة، یأبی الله لنا ذلک و رسوله و المؤمنون، و حجور طابت و حجور طهرت، و انوف حمیة، و نفوس ابیة من ان تؤثّر طاعة اللّام علی مصارع الکرام. الا و اتی زاحف بهذه الاسرة مع قلّة العدد و خذلان النّاصر.

مرگتان باد ای گروه کوفیان! و غم و اندوه یارتان، ای شما که حیرت زده دست فریادرسی به سوی ما دراز کردید، و ما با شتاب و آمادگی به یاری شما برخاستیم، ولی شمشیری را که طبق سوگندهایتان می بایست به نفع ما بکشید به روی ما کشیدید، و آتشی بر ما افروختید که آن را برای دشمنان مشترکمان افروخته بودیم، و به نفع دشمنانتان، دست بر دوستانتان بالا بردید، آن دشمنانی که نه عدالتی در میان شما به اجرا نهاده اند، و نه امید به آینده بهتری به آنان بسته اید. آیا شما شایسته بلاها نیستید که ما را ترک و رها کردید؟! زمانی که شمشیرها در نیام، و دلها آرام، و فکرها بی تشویش بود، ولی شما آشوب به راه انداختید و همانند ملخهای ناتوان، خیز برداشتید، و همچون پروانه (پرسوخته) به حرکت در آمدید خاک ذلت بر سرتان باد! ای بردگان کنیززاده (یزید) و بردگان رانده شدگان احزاب، و رهاکنندگان کتاب (قرآن) و تغییر دهندگان گفتار حق، و جمعیت گناهکار، وابستگان شیطان، و نابودکنندگان!

غم نامه کربلا، محمد بن طاووس ص ۱۲

